

## Introducing and Reviewing the Book “*The Developments of the Arabic Language from the Beginning up to Now*” with Statistical Stylistics Approach

Zahra Karamzadegan\*

### Abstract

Mohammad Khaqani Isfahani, in his book, has used this statistical stylistic function to study the Arabic language and extract high-frequency linguistic forms for use in educational programs. This article, while introducing and examining the form and content of this book, acknowledges that there is no need for the statistical study of Arabic language in the first place. Because of some reasons, classical Arabic has remained unchanged throughout history. On the other hand, using shortcut solutions such as “trust in experience and reading text”, “paying attention to the semantic functions of linguistic forms”, “browsing syntactic books such as Jammu al-Darrow and Qatari al-Wadi al-Sadi's description” and “Referrals that collect syntactic evidence” can be extracted from high-frequency linguistic forms, and necessarily, as the respected author asserts, using the statistical method of time stylization is not the only solution.

**Keywords:** Statistical Stylistics, Developments of the Arabic Language from the Beginning up to Now, Mohammad Khaqani Isfahani, Time Studies, Frequent Linguistic Faces

---

\* Assistant Professor of Arabic Language and Literature. Allameh Tabataba'i University-Tehran.Iran,  
Karamzadegan\_z@atu.ac.ir

Date received: 12/09/2020, Date of acceptance: 13/03/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## معرفی و بررسی کتاب "التطورات النحویة فی اللغة العربیة من البدایة حتی الآن" (تحولات نحوی زبان عربی از آغاز تا کنون) با رویکرد سبک‌شناسی آماری

زهرا کرم‌زادگان\*

### چکیده

دکتر محمد خاقانی اصفهانی در کتاب "التطورات النحویة فی اللغة العربیة من البدایة حتی الآن" با به‌خدمت گرفتن سبک‌شناسی آماری درصدد است به مطالعه در زمانی زبان عربی بپردازد و صورت‌های زبانی پربسامد را به منظور اعمال در برنامه‌های آموزشی استخراج کند. این مقاله ضمن معرفی و بررسی شکلی و محتوایی کتاب مزبور به این مسأله اذعان دارد که اولاً ضرورتی برای مطالعه در زمانی زبان عربی از طریق آماری وجود ندارد؛ زیرا به دلایل معینی، زبان عربی کلاسیک در طول تاریخ از تغییر مضمون مانده است و از سوی دیگر با استفاده از راه حل‌های میانبر استدلالی همچون "اعتماد به تجربه و متن خوانی"، "توجه به کارکردهای معنایی صورت‌های زبانی" و راه حل‌های میانبر آماری با جامعه آماری وسیع تر مانند "شمارش شاهد مثال‌های هر موضوع نحوی در کتاب‌هایی مانند جامع الدروس و شرح قطر الندی و بل الصدی یا موسوعه‌هایی که شواهد نحوی را جمع‌آوری کرده‌اند، می‌توان صورت‌های زبانی پربسامد را استخراج کرد و برخلاف تصریح نویسنده محترم، درصد بسامد یک صورت زبانی که خود یک متغیر سبکی محسوب می‌گردد و در متون مختلف با سبک‌های متفاوت در نوسان است، به تنهایی نمی‌تواند قابل اعمال در امر آموزش باشد.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌شناسی آماری، محمد خاقانی اصفهانی، التطورات النحویة من البدایة حتی الآن، مطالعات در زمانی، صورت‌های زبانی پربسامد.

\* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، Karamzadegan\_z@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

## ۱. مقدمه

سبک‌شناسی آماری یا به کار بردن علم آمار در پژوهش‌های سبک‌شناسی توسط آرمسترانگ ریچاردز پایه‌گذاری گردید (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۶). پس از وی دانشمند آلمانی بوزیمان با ثبت معادله‌ای به نام خود و تطبیق آن بر متن‌های ادبی آلمان، برگ‌جدیدی به این پژوهش‌ها افزود (Miller, 1963: 60). تحلیل متن بر اساس آمار و ارقام، کارکردهای مختلفی دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از داده‌های استخراج شده به منظور پژوهش در تحولات تاریخی زبان یا به منظور شناخت ویژگی‌های زبان معاصر.
- شناسایی نوآوری و ابداع در تالیف از طریق تحلیل‌های دقیق آماری یک الگو و توزیع مشخصه‌های متنوع سبکی.
- تدوین یک راهنما برای تالیف اسناد حساس و متنوع مانند یادداشت‌های شاهدان عینی یک حادثه و گزارش‌های پلیس.
- معرفی مدل‌های سبک‌شناسی به منظور ارزیابی ویژگی‌ها و امتیازات منحصر به فرد یک متن یا نویسنده یا نوع ادبی (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

در این میان، دکتر محمد خاقانی اصفهانی در کتاب خویش به نام "التطورات النحویة من البدایة حتی الان" با بهره‌گیری از روش سبک‌شناسی آماری و با انتخاب ۲۶ متن منتخب (۷۸ صفحه) از نثر عربی قرن اول تا سیزدهم هجری به شمارش تعداد دفعات به‌کاربرده شده برخی از مهم‌ترین نقش‌ها (صورت‌ها) ی‌زبانی مثل مفعول به، مفعول مطلق، حال، تمییز و ... می‌پردازد و دو هدف برای پژوهش خود بیان می‌کند:

الف) مطالعه در زمانی زبان عربی

ب) تعیین صورت‌های زبانی پرکاربرد به منظور اعمال در برنامه‌های آموزشی (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۷)

از سوی دیگر با توجه به رشد روز افزون تولیدات علمی، نقد آثار در قالب مقاله می‌تواند صرفه‌جویی در وقت و انتخاب اثر مناسب و مورد نظر را برای خواننده به‌ارمغان بیاورد. در همین راستا این پژوهش می‌کوشد ضمن معرفی کتاب مزبور، و بررسی آن از دو منظر شکلی و محتوایی، این مسأله را تبیین کند که با توجه به این‌که هدف از مطالعات در زمانی زبان، اثبات تغییر یا عدم تغییر ساختاری آن است و ما می‌دانیم که

معرفی و بررسی کتاب "التطورات النحویة فی اللغة العربیة ... (زهرا کرم‌زادگان) ۳۹۵

زبان عربی کلاسیک و استاندارد در طول قرن‌ها از دستخوش تغییرات در امان بوده است، مطالعه در زمانی زبان عربی یک ضرورت نیست و می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

### ۱.۱ سؤال‌های پژوهش

- چه میزان از استانداردهای لازم برای بخش‌های گزینشی و امر مورد شمارش در این کتاب لحاظ گردیده است؟
- چه میزان از دستاورد این پژوهش قابل اعمال در کم و کیف آموزش نحو عربی است؟

### ۲.۱ فرضیه‌های پژوهش

#### ۱.۲.۱

نظر به اینکه ۸۷ موضوعی که در این کتاب شمارش شده اند از یک سو تلفیقی از مباحث نحوی، صرفی و بلاغی هستند و از سوی دیگر هر یک از آنها یک متغیر سبکی است، لذا امر مورد شمارش به طور صحیح انتخاب نشده است و بخش‌های گزینشی از استانداردهای لازم برخوردار نیستند؛ زیرا در سبک‌های مختلف هر یک از این آمار می‌تواند کاملاً متفاوت باشد، همان‌طور که محتوای متون نیز با توجه به کارکرد معنایی صورت‌های زبانی در داده‌های آماری دخیل هستند.

#### ۲.۲.۱

با توجه به اینکه درصد بسامد نقش‌های زبانی معیاری برای وضع قوانین آن نیست، زیرا قوانین با توجه به ویژگی‌های اعرابی نقش‌ها و همنشینی کلمات با یکدیگر وضع می‌گردند، لذا داده‌های آماری این پژوهش قابل اتکا در امر آموزش نیست؛ شمارش حالت‌های کاربردی هر نقش می‌تواند در کم و کیف احکام نحوی اثر گذار باشد نه بسامد تکرار آن،

### ۳.۱ پیشینه پژوهش

در اینجا به سه دسته از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سبک‌شناسی آماری اشاره می‌گردد

الف: پژوهش‌هایی که به معرفی این رویکرد، اصطلاحات رایج در آن و مبانی و کارکردهای آن پرداخته‌اند، مانند دو کتاب "الأسلوب دراسة لغوية إحصائية" به قلم سعد مصلوح و "المستشرقون والمناهج اللغوية" به قلم اسماعیل احمد عمایره، مقاله "الدراسة الإحصائية للأسلوب (بحث في المفهوم والإجراء والوظيفة)" به قلم سعد مصلوح.

ب: پژوهش‌هایی که با استفاده از داده‌های آماری درصد توصیف سبک یک اثر و امتیازات منحصر به فرد آن بوده‌اند، مانند مقاله "سبک‌شناسی مقامات همدانی و حریری بر اساس سبک‌شناسی آماری بوزیمان" به قلم دکتر صدقی و همکارش که با ارائه آمار فعل و صفت و نسبت بین آن‌ها، سبک این دو ادیب تحلیل می‌گردد. و کتاب "الأسلوب والنحو دراسة تطبيقية في علاقة الخصائص الأسلوبية ببعض الظواهر النحوية" به قلم دکتر محمد عبدالله جبر. جبر در این کتاب با ارائه داده‌های آماری پیرامون منصوبات نحوی از جمله حال، تمییز، مفعول مطلق و... در قرآن کریم و همچنین در آثار ادیبانی چون عبدالحمید کاتب، ابن المقفع، المنفلوطی، ابن العمید و... به تحلیل سبک این متون پرداخته‌است.

ج: پژوهش‌هایی که به تطبیق این رویکرد بر متون با هدف شناسایی سبک غالب به‌منظور بهره‌مندی در امر آموزش زبان عربی به عربی‌زبانان و غیر عربی‌زبانان پرداخته‌اند، مانند "حروف المعانی فی الاستعمال الجاری مثل من القديم والحديث" به قلم عادل ربطه. وی با استفاده از روش توصیفی آماری درصد است‌قوانین وضع شده برای حروف معانی را با گسترده کاربرد آن مقایسه کند. بدین منظور ابتدا یک گزارش توصیفی از حروف معانی و قوانین آن در سه کتاب نحوی "وصف المبانی" مالقی، "الجنی الدانی" مرادی و "مغنی اللیب" ابن هشام در قالب جدول و اعداد ارائه می‌دهد. سپس حروف معانی و نحوه به‌کاررفته در جلد اول "قصص العرب" و گلچین‌هایی از "القصه الأردنیة" را استخراج می‌کند و تعداد به‌کار رفتن هر حرف و نحوه آن را در هر متن به‌طور جداگانه، سپس در هر دو متن باهم و درصد به‌کار رفتن آن هر حرف را در قالب جدول ارائه می‌کند. مقایسه آمار جدول قوانین وضع شده و جدول کاربرد این حروف نشان می‌دهد، تفاوت فاحشی بین قوانین وضع شده و واقعیت زبانی حروف معانی وجود دارد.

از دیگر پژوهش های مشابه در روش و نتیجه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:  
"الاستثناء بین النظرية والتطبيق" به قلم نهاد موسی، "أنماط الشرط عند طه حسین دراسة نحویة من خلال "الأيام" و"الوعد الحق" به قلم اشرف ماهر، "نظام الربط فی النص العربی" به قلم جمعه خباص، "تمثلات المنهج الوصفی الإحصائی فی الدراسات اللغویة الحدیثة" به قلم عاطف فضل، "توظیف اللسانیات الحدیثة فی تطویر تعلیم العربیة أسلوب النداء فی عینة من کتب تعلیم العربیة للناطقین بها وللناطقین بغيرها أنموذجا" به قلم حلیمة أحمد عمایره.  
دکتر خاقانی در کتاب "التطورات النحویة من البداية حتی الآن" گرچه اساس پژوهش خویش را بر روش آماری بنا نهاده، اما از منظر دیگری به این رویکرد نگریسته است و به دنبال مطالعه در زمانی و بسامد صورت های زبانی است.

## ۲. معرفی کلی اثر

کتاب پیش رو از چهار فصل و ۲۷۵ صفحه تشکیل شده و به زبان عربی نگاشته شده است. فصل اول کتاب تحت عنوان "مقدمه" به اهداف پژوهش، سؤال هایی که به آن پاسخ داده خواهد شد، پیشینه و روش کار، نتایج مورد انتظار، و انگیزه انجام این پژوهش اختصاص دارد.

فصل دوم کتاب با عنوان «اللغة العربیة وإمکانیات التطور» (زبان عربی و پتانسیل های تحول). دربردارنده اطلاعاتی است در زمینه جایگاه زبان عربی بین سایر زبان ها، زبان های پرکاربرد در سطح جهان، خانواده زبان عربی و برخی ویژگی های ذاتی این زبان، ذاتی بودن تحول در زبان و پذیرش آن به عنوان یک عنصر پویا، تحولات عارض شده بر زبان عربی، دشواری نحو عربی و لزوم تسهیل آن و آراء برخی صاحب نظران عرب در راستای تسهیل نحو عربی، ماشینی سازی زبان عربی و ....

در فصل سوم نویسنده محترم از قرن اول تا قرن ۱۳ هجری، از هر قرن، شش صفحه در قالب دو متن با تعداد صفحات یکسان آورده است. سپس تعداد دفعات تکرار ۸۷ موضوع نحوی و بلاغی از جمله "حال"، "مفعول مطلق"، "مفعول له"، "جملة اسمیه"، "جملة فعلیه"، "مصدر مؤول" و ... در این ۲۶ متن شمارش کرده است. و برای دو متن هر قرن یک جدول آماری ارائه کرده است.

در فصل چهارم بر خلاف فصل پیشین که آمار بر اساس قرن ارائه شده بود، تعداد دفعات هر موضوع نحوی یا بلاغی در مجموع این متون به صورت جدول و نمودار ارائه شده است.

و در پایان نویسنده محترم با ذکر مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این پژوهش آماری و معرفی برخی کتاب‌های مرتبط با این پژوهش و همچنین ذکر منابع و مآخذ سخن خویش را به پایان رسانده‌اند.

### ۳. نقاط قوت کتاب

#### ۱.۳ شکلی

##### ۱.۱.۳ انتخاب اندازه فونت مناسب و رعایت فاصله مناسب بین خطوط

اندازه فونت و فاصله بین خطوط، کاملاً استاندارد انتخاب شده است.

##### ۲.۱.۳ شماره‌گذاری عناوین اصلی و فرعی

اهمیت و فایده این موضوع در تمام فصل‌ها و به خصوص در فصل دوم که قسمت نظری کتاب است، به خوبی نمایان است. تسلسل این اعداد از فصل اول تا چهارم، موجب انسجام ذهن مخاطب و همراهی بی‌شائبه او با نویسنده تا پایان می‌گردد.

##### ۳.۱.۳ استفاده از جدول و نمودار

نویسنده محترم با استفاده از این ابزار، مانع خستگی ذهن مخاطب شده، و نشان دادن نتیجه کار در قالب جدول و نمودار، بر مخاطبانی که در گروه افراد بصری قرار می‌گیرند، بسیار تأثیر گذار است.

### ۲.۳ نقاط قوت محتوایی

#### ۱.۲.۳

آمار دقیق ذکر شده از متن‌های منتخب این فرصت آموزشی را برای دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی فراهم آورده تا خود را در بوتۀ آزمایش قرار دهند و



عناوین نحوی ذکر شده، را به تعدادی که در جدول ثبت شده است، بیابند. این امر نه تنها هم راستا با یکی از اهداف نویسندۀ محترم است، بلکه در بالابردن قدرت تشخیص و تطبیق دانشجویان نیز مؤثر است. و مزیت آن بر سایر متن‌ها بر این است که - بنا به تجربه شخصی اینجانب - فرایند فهم اولیه نحو در بین دانشجویان ما به خوبی صورت می‌گیرد و مشکل اساسی و رایج بین آن‌ها، عدم قدرت تطبیق است و علی‌رغم تشویق‌ها و توصیه‌های مکرر، دانشجویان از مواجهه با متون جدید و تمریناتی خارج از کتاب سرباز می‌زنند و علت این امر را عدم اطمینان از صحت پاسخ‌های خود می‌دانند.

اما این کتاب با ارائه آمار بدون تعیین شاهد‌های نحوی در درون متن، از یک سو، ماهی را حاضر و آماده به دانشجو نمی‌دهد، از سوی دیگر او را تنها و بی یار و یاور به ماهیگیری نمی‌فرستد. و چه بسا فرایند تطبیق برای دانشجو، جذاب نیز به نظر برسد؛ زیرا وی خود را به چالش می‌کشد و تلاش می‌کند به طور مثال به تعداد عدد ذکر شده در مقابل مفعول مطلق، در متن مربوطه، مفعول مطلق‌ها را پیدا کند.

#### ۴. نقاط ضعف کتاب

##### ۱.۴ نقاط ضعف شکلی

##### ۱.۱.۴ تسلسل شماره‌های پاورقی

کتاب مورد بررسی از ابتدا تا انتها دارای پنج پاورقی است، اما تاییست از شیوه تسلسل استفاده کرده است. یعنی به طور مثال صفحه ۵۵ دارای یک پاورقی است، اما آن پاورقی با شماره ۴ مشخص شده است. روش تسلسل در شماره، اغلب در مقالات و برای قسمت پی‌نوشت استفاده می‌شود؛ زیرا تعداد صفحات مقاله محدود و تسلسل شماره موجب سردرگمی مخاطب نمی‌شود، اما در تایپ کتاب، شماره پاورقی در هر صفحه مجزا و با عدد یک شروع می‌شود.

##### ۲.۱.۴ عدم پایبندی به شیوه ارجاع یکسان و عدم رعایت شیوه ارجاع معمول

برای روشن شدن موضوع، ابتدا چند نمونه از ارجاعات کتاب آورده می‌شود:

- «وبعد دخول العربیة منظمّة الیونسکو دخلت ..... (عن محمود ریدای ص ۱۴)»

(خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۲)

نویسنده محترم با استفاده از «عن»، قصد ارجاع غیر مستقیم را داشته‌اند، حال آن‌که قرارداد جامعه علمی برای تمیز بین ارجاع مستقیم و غیر مستقیم استفاده و عدم استفاده از گیومه است. از سوی دیگر، تاریخ اثر یا اسم اثر ذکر نگردیده است، همچنین از هیچ یک از علائم نگارشی برای ایجاد فاصله بین اسم و شماره صفحه استفاده نشده است.

- «...إذ فی جهله الإخلال بالتفاهم... (الحاجی خلیفه، کشف الظنون، ۵۵)» (همان، ۱۳۹۳: ۲۶)

در این جا به ترتیب (نام نویسنده، نام اثر، شماره صفحه) ذکر شده است  
- «قد یخالفوننا فی حصول تطورات للعبیة ... (جولیا، اس فالک ۱۳۷۷ص ۳۹۰)» (همان، ۱۳۹۳: ۴۰)

در این جا به ترتیب (نام نویسنده سال نشر ش ص) ذکر شده و از هیچ یک از علائم نگارشی استفاده نشده است

- «كما یقول السامرائی (العربیة تاریخ و تطور، ۲۳۵)» (همان، ۱۳۹۳: ۳۵)  
در این جا با توجه به ذکر نویسنده در متن، اسم نویسنده در ارجاع آورده نشده، اما اسم کتاب و شماره صفحه آورده شده، و از «کاما» نیز استفاده شده است

- «لا یجب لأهل اللغة كما یشیر «ناظمیان» (۱۳۸۱ص ۸)» (همان، ۱۳۹۳: ۳۰)  
در این جا با توجه به ذکر نویسنده در متن، اسم نویسنده در ارجاع آورده نشده، اما تاریخ نشر و شماره صفحه آورده شده است و از هیچ یک از علائم نگارشی استفاده نشده است

- «یتساءل بعض الأدباء کأمین آلبرت الریحانی أن العرب لماذا .... (أمین آلبرت الریحانی، ۷۱)» (همان، ۱۳۹۳: ۳۲)

در این جا علی‌رغم این که اسم نویسنده در متن آماده است، اما در ارجاع نیز اسم وی همراه با شماره صفحه آورده شده، اما نام کتاب یا سال نشر آن ذکر نشده است.

### ۳.۱.۴ فراموش کردن ذکر ارجاع در موارد متعدد

- «ویستدلّ الدكتور «إبراهیم أنیس» بخلو اللهجات الإقلیمیة الحدیثة من الإعراب علی عدم شیوعه فی اللغة العربیة فی مراحلها الأولى لكن «السامرائی» (۱۹۸۷ص ۱۴) یرفض هذا الرأی ...» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۸)

معرفی و بررسی کتاب «التطورات النحویة فی اللغة العربیة ... (زهرا کرمزادگان) ۴۰۱

همان طور که مشاهده می‌شود در یک مورد ارجاع صورت گرفته است و در یک مورد ارجاع فراموش شده است.

- نمونه دیگر این است که به طور مثال صفحه ۵۵، ۵۶ و ۵۷ کتاب، به نقل قول‌هایی از حسین أحمد امین اختصاص داده شده است. اما هیچ ارجاعی صورت نگرفته است و حتی مخاطب نمی‌داند این نقل قول مستقیم است یا غیر مستقیم. نمونه‌هایی از این قبیل، در کتاب کم نیستند؛ صفحات ۴۲ تا ۶۶ کتاب مملو از این نقل قول‌های بدون ارجاع است.

- «وتتمثل برأی فتحی أمبایی (مصر) فی مشکلتین «الأولی تهافت المصطلح والثانیة هدر المنطقه (?)» (همان، ۱۳۹۳: ۶۴).

همان طور که مشاهده می‌شود به جای ارجاع، از علامت سؤال استفاده شده است.

#### ۴.۱.۴ عدم برخورد یکسان با اسامی

الف) اسامی در برخی موارد داخل گیومه و در برخی موارد مشابه، بدون گیومه آورده شده‌اند.

ب) برای برخی افراد که دارای مدرک دکتری هستند بر خلاف عده‌ای دیگر، به مدرک آن‌ها اشاره نشده است. مانند:

«يقول عبد الصبور شاهین فی معرض تقویمه .....» (همان، ۱۳۹۳: ۳۵)

«لا یجب لأهل اللغة کما یشیر «ناظمیان» .....» (همان، ۱۳۹۳: ۳۰)

در این دو مثال یاد شده، به درجه هر دو استاد بزرگوار که دارای مدرک دکتری هستند اشاره‌ای نشده است، یکی از دو اسم داخل گیومه و دیگری بدون گیومه آورده شده است، اما در دو مثال زیر به مدرک اشاره شده است:

«وقد اعتبر الدكتور صبحی صالح .....» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۳۶)

«ویری الدكتور «مازن المبارک» أننا نؤمن بتطور اللغة ...» (همان، ۱۳۹۳: ۳۴).

و همان طور که مشاهده می‌شود یکی داخل گیومه و دیگری بدون گیومه آورده شده است.

#### ۵.۱.۴ عدم ذکر تمام کتاب‌های استفاده شده در فصل دوم در قسمت منابع و مآخذ

دو صفحه از کتاب به ذکر منابع و مآخذ اختصاص داده شده، و تنها نام کتاب‌هایی در آن به چشم می‌خورد که در فصل سوم، متن‌های منتخب از آن کتاب‌ها گلچین شده‌اند و نام هیچ یک از کتاب‌های ارجاع داده شده در فصل دوم، در منابع و مآخذ وجود ندارد.

#### ۶.۱.۴ وجود برخی خطاهای نحوی و ساختاری

اگر از ۷۰ صفحه تالیفی کتاب، ارجاعات مستقیم و غیر مستقیم را کنار بگذاریم، چیزی حدود ۴۰-۵۰ صفحه به قلم نویسنده نگاشته شده است. نویسنده به قواعد نحوی و آیین نگارشی زبان عربی پایبند بوده است، اما در برخی موارد، معدود عبارت‌هایی ضعیف هستند یا برخی خطاهای نحوی به چشم می‌آیند یا در به کار بردن اندک واژگانی دقت لازم مبذول نشده است. مانند:

- «الهدف الرئيس أن نقارن بين نصوص من ۱۳ قرنا.... بعد نزول القرآن» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۷) ← با توجه به اینکه آیاتی از قرآن کریم نیز جزو متون آورده شده است، بهتر است از قید «منذ» استفاده شود.

- «سجلت النتائج في جداول لتتم عملية المقارنة» (همان، ۱۳۹۳: ۱۷) ← فعل «تم» به معنای صورت پذیرفتن و انجام شدن است؛ در این جا نویسنده محترم می‌گوید: نتایج را در جدول قرار دادم تا عمل تطبیق صورت بگیرد. این سخن اگر چه در حد منطوق موجه است، اما از نظر مفهوم، مشکل منطقی دارد؛ زیرا سنجیدن و تطبیق دادن پس از مقایسه دو متن صورت می‌گیرد، حتی اگر پژوهشگر از جدول استفاده نکند، از این رو چنین به نظر می‌رسد مقصود نویسنده محترم، بهتر دیده شدن نتیجه مقایسه است، اما به کار بردن فعل «تم» این معنا را به مخاطب انتقال نمی‌دهد و بهتر است فعل دیگری جایگزین شود.

- «تظل اللغة الصينية هي الأكثر تحدثًا تليها العربية وقبلها الهندية» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۳) ← با توجه به اینکه فعل «تلا» به معنای «در پی آمدن» است، عبارت مزبور دارای نوعی ابهام است؛ زیرا با توجه به این که از فعل «تلا» استفاده شده، چنین برداشت می‌شود که زبان عربی پس از زبان چینی قرار دارد و زبان هندی پیش از زبان چینی، به دیگر سخن مخاطب با توجه به فعل «تلا» مجبور می‌شود مرجع ضمیر «ها» در «قبلها» را به «الصينية» بازگرداند، حال آن که با توجه به ارقامی

معرفی و بررسی کتاب «التطورات النحویة فی اللغة العربیة ... (زهرا کرم‌زادگان) ۴۰۳

که در زیر عبارت نوشته شده است، زبان هندی جایگاه دوم را دارد و پیش از زبان عربی قرار می‌گیرد، برای دفع این سوء برداشت عبارت باید اصلاح شود (تلیها الهندیة وبعدها العربیة).

- «المحاویر الأكثر أهمية من العناوین النحویة» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۷) ← «محور» اعم از «عنوان» است و مفضل و مفضل علیه باید از یک جنس، و مفضل اخص از مفضل علیه باشد (العناوین النحویة الأهم).

#### ۷.۱.۴ عدم ذکر «المقدار» پس از «متساویة» در Header کتاب

در Header کتاب از صفحه ۷۱ تا صفحه ۲۱۹، واژه «المقدار» کنار «متساویة» ذکر نشده است: «دراسة إحصائیة لنصوص متساویة من مختلف القرون». بهتر است این واژه حتما اضافه شود، زیرا مبین کلمه «متساویة» است و اگر صفحه آرا با مشکل حجم رو به رو است، پیشنهاد می‌شود «من مختلف القرون» حذف گردد و «المقدار» جایگزین شود.

#### ۲.۴ نقات ضعف محتوایی

##### ۱.۲.۴ عدم تطابق بین عنوان اثر و محتوای آن

عنوان اثر توقعی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که آن توقع در کتاب پاسخ داده نمی‌شود. شنیدن عبارت «التطورات النحویة» این ذهنیت را ایجا می‌کند که در این اثر، پژوهش‌های نحوی و زبانی صورت گرفته در زبان عربی بررسی خواهد شد و قید «من البداية حتی الآن» سبب می‌شود تا مخاطب انتظار داشته باشد، این بررسی از بازه تأسیس نحو آغاز گردد و تا مرحله تکامل و ثبات آن ادامه یابد. این انتظار مخاطب چندان دور از ذهن نیست؛ زیرا ما در مواجهه با کتاب‌هایی با عناوین مشابه، شاهد چنین پژوهشی هستیم. مانند کتاب «تطور الدرس النحوی» نوشته د. حسن عون یا کتاب «التطور النحوی للغة العربیة» نوشته د. رمضان عبد التواب. اما در این اثر، عارض شدن تحولات اساسی برشاکله زبان عربی - موضوعی که از پیش ثابت شده است - بررسی شده است؛ یعنی تعداد دفعات به کار گرفتن مفعول مطلق همان طور که در متن متعلق به قرن سیزدهم شمرده شده، در متن متعلق به قرن اول نیز، شمرده شده است، در حالی که در قرن اول هنوز چیزی به اسم مفعول مطلق وجود نداشت، اگرچه در زبان به کار می‌رفت.

از سوی دیگر قید «من البدایة» نیز با محتویات کتاب همخوانی ندارد؛ بازه زمانی مورد بررسی در کتاب از قرن اول تا قرن سیزدهم است. اگر بگوییم هدف در این پژوهش بررسی خود زبان است؛ قید «من البدایة» صحیح نیست؛ زیرا زبان عربی پیش از قرن اول هجری نیز وجود داشته است، اگر بگوییم هدف بررسی سیر نحو است، باز هم قید «من البدایة» صحیح نیست؛ زیرا اولین پژوهش‌های زبانی در جهان اسلام از نیمه دوم قرن اول آغاز شده، و در نهایت در نیمه دوم قرن دوم هجری با دستان توانای سیبویه، به‌منصه ظهور درآمده است.

و با توجه به این که الآن در قرن پانزدهم واقع هستیم، اما کتاب در قرن سیزدهم متوقف شده، و متون پس از قرن سیزدهم را بررسی نکرده است، قید «حتی الآن» نیز صحیح نمی‌باشد.

#### ۲.۲.۴

نویسنده محترم تصریح کرده است که قصد بررسی تحولات زبان عربی در طول ۱۴ قرن را دارد، حال آن‌که در عمل متون قرن ۱ تا ۱۳ یعنی ۱۳ قرن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

#### ۳.۲.۴

نویسنده محترم در مقدمه اذعان کرده است که قصد شمارش برخی عناوین نحوی را در برخی متون دارد. اما در عمل شاهد هستیم که امتزاج بین مسائل نحوی و بلاغی صورت گرفته است مانند «التأکید بالجمل الاسمية بدل الجملة الفعلية»، «التأکید بالأحرف الزائدة»، «التأکید باسمية الجملة»، «التأکید بالقسم» و ...

### ۵. بررسی کتاب از منظر "رویکرد سبک‌شناسی آماری"

پژوهش‌های آماری بر سه رکن پایه گذاری گردیده اند: الف) امر مورد شمارش (ب) جامعه آماری یا بخش‌های گزینشی (ج) هدف و مقصدی که پژوهشگر از تحلیل داده‌های آماری دارد. بخش‌های گزینشی کتاب مورد نقد ۷۸ صفحه از متون قرن‌های اول تا ۱۳ هجری و امر مورد شمارش بسامد تکرار موضوعات نحوی است. در ادامه به بررسی مقاصدی که دکتر خاقانی درصدد آن بوده است، می‌پردازیم:

نظر به کارکردهایی که داده‌های آماری دارند و در بخش مقدمه به آن اشاره گردید، دکتر خاقانی در وهله اول از این رویکرد به عنوان ابزاری برای یک مطالعه در زمانی و بررسی تحولات تاریخی زبان استفاده کرده‌اند و تصریح کرده‌اند یکی از دو هدف این پژوهش بررسی دامنه تغییرات رخ داده بر زبان عربی است (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۲۳) و یکی از دست‌یافت‌های پژوهش خود را اینگونه بیان می‌کنند:

این پژوهش به ما نشان داد که تحولاتی که در طول زمان بر زبان عربی عارض می‌شود، ریشه‌ای نیستند؛ یعنی به طور مثال مرفوع، منصوب نگشته است (همان، ۱۳۹۳: ۲۷۱)

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا زبان شناسی وجود دارد که در مورد این مسأله حتی دچار تردید باشد تا ما با یک پژوهش آماری بخواهیم او را به این قطعیت برسانیم که زبان عربی فصیح فاقد تحولات در زمانی بوده است؟ و در همین کتاب در فصل دوم به تفصیل بیان شده است که زبان عربی بدون تغییر باقی مانده است.

و دیگر اینکه گرچه نحویان و زبان‌شناسان مسلمان از ابتدا هیچ‌گونه داده آماری را گزارش نداده‌اند، اما برای تدوین گرامر زبان عربی از روش استقراء و بررسی متون مدد جسته‌اند. لذا این شیوه پژوهش از آغاز در میان زبان‌شناسان زبان عربی مرسوم بوده است. و آنها از راه همین استقراء و بررسی آماری به این نتیجه رسیدند هرفاعلی مرفوع است و هر مفعولی منصوب و عکس آن در زبان عربی وجود ندارد. لذا بعد در زمانی رویکرد آماری در زبان عربی فاقد کارایی است و انجام یک پژوهش آماری با این هدف کاری عبث و بیهوده می‌نماید؛ زیرا داده‌های آماری اطلاعات جدیدی را به مخاطب ارائه نمی‌دهد.

دومین هدفی که این پژوهش به دنبال تحقق آن است، تعیین درصد به کار گرفته شدن موضوعات نحوی در هر قرن به منظور آموزش نکته‌های کاربردی در نظام آموزشی است (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۲۳) در این جا نیز توجه به چند نکته ضروری است:

۱. اگر ما به دنبال تعیین نقش‌ها و صورت‌های زبانی پرکاربرد در حدود ۸۰ صفحه متن گزینشی هستیم، می‌توان از راه‌های میانبر دیگر که در زیر به آن اشاره می‌گردد و برخی استدلالی و برخی دیگر آماری هستند، به همان نتیجه نسبی و چه بسا دقیقتر دست یافت:

الف: به طور تجربی و پس از چند سال متن خوانی: به طور مثال دانشجویان سال آخر کارشناسی، تمام متون نظم و نثر را از دوره جاهلی تا عصر معاصر گذرانده‌اند و با چشم خود دیده‌اند که به طور مثال مفعول مطلق، حال، فاعل، نائب فاعل، افعال ناقصه و ... پای ثابت متون هستند اما مباحثی مثل اغرا و تحذیر، ندبه، استغاثه و ... در موارد خاصی به کار برده می‌شوند.

ب: توجه به کارکرد هر یک از مباحث نحوی: به طور مثال، کارکرد مفعول مطلق، تأکید بر وقوع فعل یا چگونگی وقوع آن یا تعداد دفعات رخداد آن است. کارکرد حال، بیان حالت در حین رخداد فعل است، کارکرد مفعول‌فیه، تعیین زمان یا مکان وقوع فعل است. اغرا و تحذیر، به منظور تحذیر یا تشویق مورد استفاده قرار می‌گیرد و ...

عنایت به کارکرد نقش‌های نحوی این فرصت را به ما می‌دهد که به سهولت بتوانیم تشخیص دهیم کدام مباحث نحوی کاربرد بیشتری دارند و هرکدام در چه متونی بیشتر به کار می‌روند.

به طور مثال، تمام افعال حتما در یک زمان و در یک مکان رخ می‌دهند. بنابراین مفعول‌فیه جز لاینفک اغلب جمله‌ها است. افعال ناقصه، افعال مقاربه، و سایر نواسخ، به‌منظور ایجاد معنای جدید به کار برده می‌شوند: مانند هوا سرد است، هوا سرد بود، هوا سرد شد، هوا سرد نیست، هوا در شب سرد شد، هوا در روز سرد شد، هوا همیشه سرد است، هوا هنوز سرد است. حتما هوا سرد است، نزدیک است هوا سرد شود، یقین دارم هوا سرد خواهد شد، و ...

جای تعجب نیست که ما اسم و خبر نواسخ را در مجموعه پرکاربرد قرار دهیم، چنان‌که در واقعیت و استقرای متون نیز به این نتیجه می‌رسیم؛ زیرا این معانی، در هر متنی وجود دارد و نواسخ در واقع نیاز متکلم را برای انتقال معنا تأمین می‌کنند.

اغرا و تحذیر در متون دینی و حکمی نسبت به سایر متون، جایگاه بهتری دارند. کما اینکه به طور مثال در نهج البلاغه یا صحیفه سجادیه یا در اشعار حکمی، استفاده از اغرا و تحذیر به فراوانی به چشم می‌آید. اما در آمار ارائه شده از سوی نویسندۀ محترم، تعداد دفعات به کارگیری اغرا و تحذیر از قرن اول تا سیزدهم، صفر اعلام شده است؛ زیرا متن‌های انتخاب شده، در حوزه فوق‌الذکر نیستند.

با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌توان نقش‌های نحوی را به دو دسته زیر تقسیم کرد:



- نقش‌هایی که با توجه به کارکردشان در زبان، در تمام انواع متون از جمله علمی، ادبی، دینی، مطبوعاتی و ... کاربرد دارند و در حقیقت اختصاص به معنای خاصی ندارند مانند فاعل، مفعول به، مفعول مطلق، مفعول فیه، نواسخ و ...

- نقش‌هایی که با توجه به کارکردشان در زبان، در برخی موضوعات مشخص به‌کاربرده می‌شوند مانند اغرا و تحذیر، افعال مدح و ذم، مفعول معه، ندبه، استغاثه و ...

بنابراین بین محتوای متون و کمیت نقش‌ها و صورت‌های زبانی یک رابطه مستقیم وجود دارد.

ج) تورق کتاب‌های نحوی مانند «جامع الدروس» و «شرح قطر الندی و بل الصدی»: در این کتاب‌ها که هر موضوع نحوی با شاهد مثال‌هایی از قرآن کریم یا ابیات شعری بیان شده‌است، با شمارش تعداد آیات و ابیات در زیرمجموعه هر موضوع نحوی می‌توان درصد نسبی کاربرد هر موضوع نحوی را بدست آورد؛ این همان نتیجه‌ای است که این اثر قصد داشته است ما را به آن برساند.

د) مراجعه به موسوعه‌هایی که شواهد نحوی را جمع‌آوری کرده‌اند: در این موسوعه‌ها نیز تعداد شواهد ثبت شده و کمیت آن برای هر موضوع، به خوبی بیانگر درصد کاربرد موضوعات نحوی است.

۲. تقریباً تمام ۸۷ موضوع نحوی و بلاغی که در این کتاب مورد شمارش واقع شده‌اند، جزو متغیرهای سبکی هستند، لذا با توجه به سبک هر دوره و هر ادیب آمار به‌طور کامل تغییر خواهد کرد. مؤید این سخن پژوهشی است که محمد عبد الله جبر در کتاب "الأسلوب والنحو" انجام داده است. داده‌های آماری که محمد عبد الله جبر ارائه داده است، به ما نشان می‌دهد توجه نکردن به متغیرهای سبکی که تکرار معنادار آنها منجر به یک شاخصه سبکی می‌شود، باعث می‌شود به آمار گمراه‌کننده‌ای دست بیاییم. به‌طورمثال برخی از آماری که دکتر محمد جبر ارائه داده است، به‌قرار زیر است (جبر، ۱۹۸۸، ۳۷ و ۵۶ و ۱۱۳)

بخش‌های گزینشی	المفعول المطلق	المفعول له	التمییز
۷۰ صفحه از قرآن	۶۴	۱۱	۱۵
۷۰ صفحه از عبد الحمید	۲۲	۱۸	۷۸
۷۰ صفحه از منفلوطی	۱۱۷	۱۷	۲۶

همان طور که مشاهده می‌گردد، تعداد دفعات به کارگیری هر صورت زبانی در هر یک از بخش‌های گزینشی نظر به سبک متن و محتوای آن تفاوت معناداری دارند. بنابراین بخش‌های گزینشی در کتاب مورد نقد فاقد دقت لازم هستند و با تغییر بخش‌های گزینشی می‌توان به آمار کاملاً جدید و متفاوتی دست پیدا کرد. آماری که دکتر خاقانی برای این سه صورت زبانی ارائه داده است، به قرار زیر است (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۵۲ و ۲۴۹ و ۲۶۳)

بخش‌های گزینشی	المفعول المطلق	المفعول له	التمييز
۷۸ صفحه متن از قرن اول تا سیزدهم	۱۴۹	۶۹	۶۸

همان طور که مشاهده می‌گردد در یک پژوهش آماری، مفعول له در یک بخش گزینشی ۷۰ صفحه ای ۱۱ بار به کار رفته است، اما در پژوهش آماری دیگر در یک بخش گزینشی ۷۸ صفحه ای ۶۹ بار. در پژوهش اول مفعول له یک صورت زبانی کم‌بسامد است، اما در پژوهش دوم مفعول له بسامد بالاتر قابل ملاحظه ای دارد.

۳. مهم‌ترین دستاورد این کتاب با داده‌های ارائه شده در خود کتاب نقض می‌گردد. در "نتایج البحث" می‌خوانیم:

مهمترین نتیجه‌ای که این پژوهش به ما نشان داد، این است که یک اشتباه بزرگ بر تمام نحو عربی سایه انداخته است؛ برای توضیح بیشتر باید بگوییم: نحوی‌های عرب عادت کرده‌اند مباحث نحوی را بر اساس قواعد منطق ارسطو و تقابل سلب و ایجاب بررسی کنند و برخورد آن‌ها با تمام موضوعات نحوی یکسان است؛ به طور مثال آن‌ها برای مفعول معه همان مقدار صحبت می‌کنند که برای مفعول به یا مفعول فیه نیز صحبت می‌کنند. بدون آن‌که عنایت داشته باشند، درصد استفاده هر یک از مباحث با یکدیگر متفاوت است. و ما این شمارش آماری رو انجام دادیم تا با شناسایی مباحث پرکاربردتر، کتاب‌های نحوی بیشتر به این موضوعات اختصاص داده شوند (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۷۱)

در جدول زیر برخی داده‌های آماری را می‌بینیم (همان، ۱۳۹۳: ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷)

بخش‌های گزینشی	النعت الحقيقي	عطف البيان	واو العطف	فاء العطف
۷۸ صفحه متن از قرن اول تا سیزدهم	۹۴۱	۱۹۶	۳۸۹۶	۵۴۰

با توجه به آماری که دکتر خاقانی ارائه داده اند و به تصریح خودشان که این شمارش با هدف تعیین مباحث پرکاربردتر صورت گرفته است، ما می‌بینیم واو عطف بیشترین

درصد را دارد و اصلاً قابل قیاس با آمار سایرین نیست. حال اگر معیار فقط و فقط تعداد دفعات به کارگیری باشد یعنی باید از زبان شناسان متوقع باشیم صفحه‌ها در باب واو عطف مطلب بنویسند، اما موضوعی همچون مفعول مطلق را که ۱۴۹ بار تکرار شده است، خلاصه و در یک صفحه بیان کنند!!

یا به طور مثال تعداد دفعات تکرار تمییز ۶۸ بار است، اما تعداد دفعات تکرار نعت حقیقی ۹۴۱ بار است، بنابراین باید از نعت حقیقی بیشتر سخن گفت، حال آنکه مطالب نعت حقیقی در دو قاعده خلاصه می‌شود: انواع نعت و تطبیق نعت و منعوت در چهار چیز، اما تمییز چه از نظر معنایی چه از نظر محتوایی مبحث وسیع‌تری است.

لذا می‌توان گفت این پژوهش آماری به یک خطای راهبردی دچار است و باعث شده است بر خلاف پژوهش‌های مشابه خود نتواند دستاوردی در راستای تسهیل آموزش نحو داشته باشد و آن هم این است که تنها به تکرار صورتهای زبانی اکتفا کرده است و تکرار یک صورت زبانی یا عدم تکرار آن ارتباط مستقیم با سبک اثر دارد و همان طور که مشاهده شد معیاری برای آموزش آن صورت زبانی نیست.

با توجه به توضیحات ارائه شده این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از رویکرد آماری به منظور تسهیل آموزش نحو عربی بهره جست؟ در پاسخ باید گفت این بهره‌مندی مستلزم این است که امر مورد شمارش به طور دقیق تعریف و تعیین گردد. به دیگر سخن همانند پژوهش‌های نامبرده شده در پیشینه تحقیق، یک موضوع نحوی تعیین گردد، سپس از کتابهای نحوی مصدر، یک گزارش توصیفی از احکام تدوین شده، ارائه داده شود، سپس حالت‌های مختلف آن صورت زبانی بر اساس آن احکام در بخش‌های گزینشی، شمارش گردد، تا درصد کارایی این احکام مشخص گردد.

## ۶. نتیجه‌گیری

کتاب "التطورات النحویة من البداية حتی الآن" به قلم دکتر محمد خاقانی اصفهانی که در این پژوهش معرفی و بررسی گردید مانند هر اثر دیگری، دارای نقاط قوت و ضعف است. از جمله نقاط قوت ظاهری، صفحه‌آرایی مطلوب و پاراگراف بندی صحیح، انتخاب اندازه فونت مناسب، شماره‌گذاری عناوین فرعی و اصلی است و از نکات قوت محتوایی می‌توان به اطلاعات نظری ارائه شده در فصل دوم و تطبیق موضوعات نحوی برمتون در فصل سوم اشاره کرد. از سوی دیگر، عدم پایبندی به شیوه ارجاع یکسان،

عدم رعایت رسم الخط عربی، وجود خطاهای تایپی و خطاهای نحوی و ساختاری از نقاط ضعف ظاهری کتاب است. در بخش محتوا، عدم تطابق بین عنوان اثر و محتوای آن، امتزاج مسائل نحوی و بلاغی، وجود کاستی‌های متعدد در مقدمه کتاب و در نهایت رسیدن به نتایجی که از پیش ثابت شده هستند، به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر استفاده از رویکرد سبک‌شناسی آماری برای بررسی تغییرات ریشه‌ای زبان عربی در طول زمان از یک سو و تعیین نقش‌های زبانی پرکاربرد از سوی دیگر انتخاب مناسبی محسوب نمی‌شود؛ زیرا به اذعان نویسنده محترم در فصل دوم کتاب، زبان عربی کلاسیک تغییرات قابل ملاحظه‌ای نداشته است و این موضوع نیاز به شمارش آماری ندارد و راه حل‌های میانبر استدلالی و شمارشی مناسبتری برای رسیدن به درصد تکرار نقش‌های نحوی وجود دارد، هرچند دستیابی به این داده آماری با توجه به دلالتی که گذشت، نمی‌تواند در تعیین نکته‌های کاربردی و آموزش آن تأثیر گذار باشد.

## کتاب‌نامه

- آسر، برجستر (۱۹۹۴). *التطور النحوی للغة العربية*، ترجمه: رمضان عبد التواب، ط ۲، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- جبر، محمد عبد الله (۱۹۸۸). *الأللوب والنحو دراسة تطبيقية في علاقة الخصائص الأسلوبية ببعض الظواهر النحوية*، ط ۱، اسکندریه: دار الدعوة.
- خاقانی اصفهانی، محمد (۱۳۹۳). *التطورات النحوية من البداية حتى الآن*، ج ۱، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- خباص، جمعه (۲۰۰۲). *نظام الربط في النص العربي*، پایان نامه دکتری، دانشگاه اردن.
- ربطه، عادل (۲۰۰۰). *حروف المعاني في الاستعمال الجاری مثل من القديم والحديث*، پایان نامه ارشد، دانشگاه اردن.
- صدقی، حامد و مرتضی زارع (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مقامات همدانی و حریری بر اساس سبک‌شناسی آماری بوزیمان»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی فنون ادبی، شماره ۲ (پیاپی ۱۳).
- عمایره، اسماعیل احمد (۱۹۹۲). *المستشرقون والمناهج اللغوية*، ط ۲، اردن: دار حنین.
- عمایره، حلیمه احمد (۲۰۱۴). «توظيف اللسانيات الحديثة في تطوير تعليم العربية أسلوب النداء في عينة من كتب تعليم العربية للناطقين بها وللناطقين بغيرها نموذجاً»، الممارسات اللغوية، شماره ۳۰.
- فضل، عاطف (۲۰۱۰). «تمثلات المنهج الوصفي الإحصائي في الدراسات اللغوية الحديثة»، التربية والعلوم، جلد ۱۷، شماره ۴.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، ج ۱، تهران: انتشارات علمی.
- ماهر، اشرف (۱۹۹۹). «أنماط الشرط عند طه حسين دراسة نحوية»، علوم اللغة، جلد ۲، شماره ۲.

معرفة و بررسی کتاب "التطورات النحویة فی اللغة العربیة ... (زهرا کرمزادگان) ۴۱۱

مصلوح، سعد، (۱۹۸۹). «الدراسة الإحصائية للأسلوب (بحث فی المفهوم والإجراء والوظيفة)»، عالم الفكر،  
جلد ۲۰، شماره ۳.

مصلوح، سعد، (۱۹۹۲). الأسلوب دراسة لغوية إحصائية، ط ۳، القاهرة: عالم الكتب.

موسی، نهاد (۱۹۷۹). «باب الاستثناء بین النظرية والتطبيق»، دراسات الجامعة الأردنية، جلد ۶، شماره ۲.

Miller, G.A (1963). *Language and Communication*, New York University of Florida College  
Library

